

ترور فرمانده یگان موشکی حزب‌الله

ارتش صهیونیستی اعلام کرد «محمدعلی جمول» از فرماندهان یگان موشکی حزب‌الله، در منطقه‌الشفیق واقع در جنوب لبنان مورد حمله پهبادی قرار گرفت. وی در این ترور به شهادت رسید
شبکه ۱۲ تلویزیون این رژیم گزارشی ارائه داد که نشان می‌دهد این فرمانده حزب‌الله هنگام حرکت با خودروی شخصی‌اش هدف پهبادهای رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. بر اساس اعلام منابع لبنانی، این رویداد زمانی رخ داد که جمول ۳۳ ساله، در حال عزیمت به مسجد برای اقامه نماز صبح بود. این حمله در جاده دیرالزهرانی - نبطیه، حوالی پل عابر پیاده به وقوع پیوست. منابع لبنانی این اقدام را جدیدترین مورد از فعالیت‌های نظامی رژیم اشغالگر توصیف کرده‌اند که به نقض توافقات موجود با لبنان منجر شده است.
سختگوی ارتش صهیونیستی در توضیح این حمله مدعی شد آشهید] جمول در جریان درگیری‌های گذشته، حملات متعددی علیه مواضع صهیونیستی انجام داده بود و اخیرا نیز در تقویت زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله نقش فعالی داشته است. ژنرال افی دفرین ادعا کرد اقدامات این فرمانده نقض تفاهاتم موجود میان لبنان و رژیم صهیونیستی بوده و افزود این رژیم به حملات خود برای حذف هر گونه تهدید ادامه خواهد داد. این در شرایطی است که رژیم صهیونیستی به دفعات توافق آتش‌بس با لبنان را زیر پا گذاشته و عملیات‌های متعددی علیه حزب‌الله انجام داده که همواره با شهادت افراد بی‌گناه همراه بوده است. همزمان با این تحولات، ارتش صهیونیستی اعلام کرد شامگاه جمعه اهداف مهمی را در لاذقیه سوریه بمباران کرده است. سختگوی ارتش صهیونیستی مدعی شد این عملیات ابزارهای سلاح، شامل موشک‌های زمین به دریا را هدف قرار داده است؛ موشک‌هایی که به گفته‌وی، تهدیدی برای نابوری دریایی بین‌المللی واسرائیل محسوب می‌شند علاوه بر این، ساسله‌های موشکی زمین به هوا نیز در منطقه طرطوس هدف حمله قرار گرفتند. این حملات بار دیگر نشان‌دهنده تأکید رژیم صهیونیستی بر ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه خود در منطقه است؛ سیاست‌هایی که همواره صلح و امنیت منطقه را به خطر انداخته و با واکنش‌های مختلف از سوی کشورهای منطقه مواجه شده است.

■ ■ ■

تنش آبی هند و پاکستان

هند در واکنش به تشدید تنش‌ها با پاکستان، معاهده آبهای رود سند را به حالت تعلیق درآورده است؛ اقدامی که نگرانی‌ها پیرامون آینده منابع حیاتی آب برای میلیون‌ها نفر در جنوب آسیا و افزایش درگیری‌های ژئوپلیتیک را برانگیخته است. این تنش‌ها، که از ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) با وقوع یک حمله تروریستی در کشمیر هند شدت گرفت، دولت دهلی‌نو را به تصمیم تعلیق این معاهده سوق داده است. معاهده آب‌های رود سند که سال ۱۹۶۰ با میانجی‌گری بانک جهانی منعقد شد، توزیع منابع آبی رودخانه‌های مشترک میان ۲ کشور را مدیریت می‌کند و برای معیشت تعداد زیادی از مردم منطقه نقش حیاتی دارد. هند، با اتهام به حمایت پاکستان از تروریسم، تأکید کرده تا زمانی که اسلام‌آباد به صراحت از حمایت از گروه‌های تروریست مرزی دست نکشد، از تعهدات خود در چارچوب این معاهده صرف‌نظر خواهد کرد. در مقابل، پاکستان این اقدام را نوعی «اعلان جنگ» قلمداد کرده و هر گونه دخالت در حمله تروریستی پهلگام را نقض می‌داند. طبق مفاد این معاهده، پاکستان حق استفاده نامحدود از ۳ رودخانه غربی را دارد، در حالی که هند اجازه بهره‌برداری از ۳ رودخانه شرقی را داراست. با این حال، هند به دنبال بازنگری معاهده است تا بتواند نیازهای گسترده جمعیت خود را تأمین کند و بهتر با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی مقابله کند. تعلیق معاهده توسط هند نفعته‌ها ناشی از مسائل امنیتی است، بلکه به دلیل ناتوانی بلندمدت این کشور در به‌کارگیری کامل منابع آبی‌ای است که به آن تخصیص داده شده‌اند. این کشور تاکنون زیرساخت‌های لازم برای استفاده حداکثری از رودخانه‌های شرقی را ایجاد نکرده و در نتیجه، حجم زیادی از آب طی فصل‌های بارانی بدون استفاده به پاکستان سرریز می‌شود. تحلیلگران بر این باورند هند با این اقدام قصد دارد پاکستان را برای بازنگری در مفاد معاهده تحت فشار قرار دهد و شرایط بهتری برای تأمین منابع آبی جهت توسعه کشاورزی، تولید انرژی و رسیدگی به مناطق ناآرامی چون کشمیر فراهم کند اما پاکستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی پایین‌دستی خود، به شدت وابسته به داده‌های هیدرولوژیکی هند است. توقف انتقال این داده‌ها می‌تواند مدیریت منابع آبی پاکستان و همچنین آمادگی آن برای مقابله با بلایای طبیعی مانند سیل‌های مخرب سال ۲۰۲۲ را دچار نقصان کند. اطلاعات مرتبط با ذوب یخچال‌ها، جریان سیلاب‌ها و بارندگی‌ها جزو داده‌های کلیدی برای اقتصاد کشاورزی پاکستان هستند که بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی و نیروی کار این کشور را به خود اختصاص می‌دهد. کارشناسان هشدار داده‌اند سقوط کامل این معاهده عواقب سنگینی برای هر ۲ کشور خواهد داشت، بویژه برای پاکستان که ظرفیت آبی محدودی دارد و در معرض چالش‌های مربوط به خشکسالی و سیل قرار گرفته است. افزایش دما، رشد تقاضای آب و تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی همچون طغیان دریاچه‌های یخچالی بر اهمیت همکاری میان ۲ کشور افزوده است اما بی‌اعتمادی عمیقی که دهلی‌نو و اسلام‌آباد نسبت به یکدیگر دارند، مذاکرات احتمالی برای اصلاح این معاهده را با دشواری مواجه کرده است. هند، با جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر و تنها ۴ درصد ذخایر آبی جهان، تحت فشار شدید برای تأمین منابع آبی قرار دارد. حوزه رود سند که دومین حوضه آب زیرزمینی تحت فشار جهان نام گرفته، نقشی کلیدی در تولید برق، اشتغال‌رایی و توسعه کشاورزی منطقه کشمیر ایفا می‌کند. دهلی‌نو امیدوار است بازنگری معاهده به آن کمک کند زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌برداری بهتر از سهم آبی خود را توسعه دهد. در طرف مقابل، اسلام‌آباد همچنان بر حفظ چارچوب فعلی معاهده اصرار داشته و اقدامات اخیر هند را تلاشی برای سیاسی کردن مساله آب تلقی می‌کند؛ اگرچه هند در کوتامدنت توانایی کلش شدید جریان آب به پاکستان را نخواهد داشت.



گزارش «وطن امروز»

درباره چالش‌های صلح میان باکو و ایروان

جدال قانونی قفقاز جنوبی

همین مساله نیز منجر به افزایش قدرت نظامی، جمعیت و نفوذ این کشور در منطقه و فرامنطقه شد و به موازات آن نیز ارمنستان به دلیل قرار گرفتن در محاصره زمینی ترکیه و جمهوری باکو در غرب و شرق و همچنین عدم دسترسی به آب‌های آزاد و عدم برقراری اتحادهای استراتژیک با ایران و گرجستان دچار رکود اقتصادی و کاهش جمعیت شد؛ مساله‌ای که ارتش ارمنستان را نیز تحت تأثیر قرار داد. ■ **انقلاب مخملی و چرخش شدید در سیاست خارجی**
از دیگر تحولاتی که در ادامه مناقشه قره‌باغ بویژه در جنگ ۴۴ روزه سال ۲۰۲۰ تأثیرگذار بود، انقلاب مخملی سسال ۲۰۱۸ بود که منجر به روی کار آمدن نیکول پاشینیان و حزب قرارداد مدنی در این کشور شده؛ انقلابی که مدعی خارج کردن ارمنستان از سایه روسیه و ایجاد چندجانبه‌گرایی و استقلال در سیاست خارجی این کشور بود. نتایج این انقلاب اما طبق هدف‌گذاری سیاستمداران تازه‌کار ارمنستان پیش نرفت. پس از این اقدام، روابط روسیه و ارمنستان دیگر مانند سابق نشده؛ مساله‌ای که مورد توجه مقامات باکو و آنکارا نیز قرار گرفت و همین مساله شرایط را برای جنگ دیگری در قره‌باغ مهیا کرد. جنگی که طرف ارمنی دیگر در آن قدرت رویارویی با باکو و ترکیه را به دلیل عدم حمایت روسیه و موجب شد جمهوری خودمختار

تغییرات مهم جغرافیایی و سیاسی در منطقه شد. بسیاری این آتش‌بس را نتیجه‌ای از سوی روسیه برای دولت و سیاستمداران جدید ارمنستان تعبیر کردند. ■ **درگیری‌های ۲۰۲۳**
پس از جنگ دوم قره‌باغ و پیروزی نسبی ارتش باکو در آن، با یک وقفه ۳ ساله درگیری‌های دیگری در منطقه رخ داد. این درگیری‌ها، ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ میان جمهوری باکو و دولت خودخوانده آرتساخ (قره‌باغ کوهستانی) رخ داد. این حمله که جمهوری باکو آن را «عملیات ضدتروریسم» نامید، به عنوان نقض توافق آتش‌بس ۲۰۲۰ تلقی شد و نقطه عطفی در مناقشه دیرینه بر سر این منطقه به شمار می‌رود. جمهوری باکو ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ حمله گسترده‌ای را به مناطق تحت کنترل نیروهای ارمنی در قره‌باغ کوهستانی آغاز کرد. این حملات در شرایطی رخ داد که منطقه ماه‌ها در محاصره ارتش باکو و در شرایط کمبود شدید مواد غذایی و دارویی قرار داشت. باکو این عملیات را واکنشی به کشته شدن چند نظامی و غیرنظامی خود بر اثر مین‌گذاری نیروهای ارمنی دانست و هدف خود را «بازگرداندن قانون اساسی» اعلام کرد. در جریان این حملات، شهر استپاناکرت (مرکز قره‌باغ) و دیگر شهرها هدف گلوله‌باران شدید قرار گرفتند. طبق گزارش منابع ارمنی، دست‌کم ۲۷ نفر (از جمله ۲ غیرنظامی) کشته و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی شدند. ۷ هزار نفر نیز آواره شدند. دولت ارمنستان اعلام کرد هیچ نیروی نظامی‌ای در قره‌باغ مستقر نکرده و مسئولیت دفاع بر عهده نیروهای محلی است. این اقدام دولت پاشینیان از سوی بسیاری از ارمنه عقب‌نشینی در مقابل دولت‌های باکو و آنکارا تلقی شد و مخالفان دولت ارمنستان خواستار بر کناری وی شدند. این دور از درگیری‌ها در روز دوم، با میانجی‌گری روسیه به پایان رسید و ارمنستان به طور کامل کنترل خود را بر منطقه قره‌باغ و گذرگاه راهبردی لاپچین از دست داد. پس از این توافق، جمهوری باکو و نمایندگان ارمنی‌ها مذاکراتی را آغاز کردند تا فرآیند ادغام منطقه و مسائل انسانی مورد بررسی قرار گیرد. این حمله عملاً موجب فروپاشی دولت خودخوانده آرتساخ و بازگشت کنترل کامل قره‌باغ به جمهوری باکو شد. بسیاری از ساکنان ارمنی منطقه مجبور به ترک خانه‌های خود شدند و نگرانی‌های گسترده‌ای برای پاکستانی قومی و بحران انسانی به وجود آمد؛ نگرانی‌هایی که همچنان وجود دارد. خروجی درگیری‌های سال ۲۰۲۳ پایان دولت خودمختار ارمنی در قره‌باغ و شکست کامل ارمنستان در این مناقشه بود؛ مناقشهای که با وجود مذاکرات طولانی که تاکنون نیز ادامه دارد همچنان پابرجاست.

■ **چالش قانون اساسی و صلح در قفقاز جنوبی**
از سال ۲۰۲۳ میلادی تاکنون با میانجی‌گری کشورهای سوم، گفت‌وگوهای صلح میان باکو و ایروان آغاز شده است؛ گفت‌وگوهایی که به افزایش قدرت نظامی، جمعیت و نفوذ این کشور در منطقه و فرامنطقه شد و به موازات آن نیز ارمنستان به دلیل قرار گرفتن در محاصره زمینی ترکیه و جمهوری باکو در غرب و شرق و همچنین عدم دسترسی به آب‌های آزاد و عدم برقراری اتحادهای استراتژیک با ایران و گرجستان دچار رکود اقتصادی و کاهش جمعیت شد؛ مساله‌ای که ارتش ارمنستان را نیز تحت تأثیر قرار داد. ■ **انقلاب مخملی و چرخش شدید در سیاست خارجی**
از دیگر تحولاتی که در ادامه مناقشه قره‌باغ بویژه در جنگ ۴۴ روزه سال ۲۰۲۰ تأثیرگذار بود، انقلاب مخملی سسال ۲۰۱۸ بود که منجر به روی کار آمدن نیکول پاشینیان و حزب قرارداد مدنی در این کشور شده؛ انقلابی که مدعی خارج کردن ارمنستان از سایه روسیه و ایجاد چندجانبه‌گرایی و استقلال در سیاست خارجی این کشور بود. نتایج این انقلاب اما طبق هدف‌گذاری سیاستمداران تازه‌کار ارمنستان پیش نرفت. پس از این اقدام، روابط روسیه و ارمنستان دیگر مانند سابق نشده؛ مساله‌ای که مورد توجه مقامات باکو و آنکارا نیز قرار گرفت و همین مساله شرایط را برای جنگ دیگری در قره‌باغ مهیا کرد. جنگی که طرف ارمنی دیگر در آن قدرت رویارویی با باکو و ترکیه را به دلیل عدم حمایت روسیه و موجب شد جمهوری خودمختار

قره‌باغ (آرتساخ) در مقابل ارتش جمهوری باکو که از نفرات بیشتری برخوردار بود و به تسلیحات جدیدتری همچون پهبادهای انتحاری رژیم صهیونیستی مسلح شده بود تنها ماند و نتیجه آن شکستی بی‌سابقه برای طرف ارمنی در مقابل جمهوری باکو بود. ■ **جنگ دوم قره‌باغ**
جنگ دوم قره‌باغ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ میان جمهوری‌های باکو و ارمنستان آغاز شد و ۴۴ روز به طول انجامید و از همین رو به جنگ ۴۴ روزه معروف است. این جنگ با حملات گسترده جمهوری باکو و بازپس‌گیری مناطق اشغالی قره‌باغ کلید خورد و درگیری‌ها بسیار شدید بود. هنگام این جنگ هر ۲ طرف حکومت نظامی و بسیج عمومی اعلام کردند. ارتش جمهوری باکو موفق شد بخش‌های وسیعی از مناطق مورد مناقشه را پس بگیرد. این جنگ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ با توافق آتش‌بس پایان یافت و این آتش‌بس، پیروزی جمهوری باکو تعبیر شد. در این آتش‌بس نیز طرف‌های فرامنطقه‌ای نقش کلیدی داشتند. توافقی آتش‌بس با میانجی‌گری روسیه و همکاری صلیب سرخ حاصل و منجر به

گروه بین‌الملل: اخیرا بار دیگر بحث درباره توافق صلح میان جمهوری باکو و جمهوری ارمنستان بالا گرفته است؛ توافقی که پس از چند دور جنگ خونین در منطقه و ایجاد نفرت‌های عمیق مذهبی و قومی با واسطه‌گری کشورهای منطقه میان ۲ کشور مطرح شده است. باکو و ایروان از زمان فروپاشی شوروی و استقلال که بیش از ۳ دهه از آن می‌گذرد تاکنون چندین دور با یکدیگر رویارویی نظامی داشته و در این جنگ‌های خونین چندین بار نقشه منطقه دستخوش تغییرات اساسی شده است. تغییراتی ژئوپلیتیک، قومی، مذهبی و حتی تاریخی که نقش عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در آن بخوبی مشهود است.

■ جنگ نخست قره‌باغ

جنگ قره‌باغ مجموعه‌ای از مناقشات نظامی و سیاسی میان جمهوری باکو و ارمنستان بر سر منطقه کوهستانی قره‌باغ است. این منطقه استراتژیک با اکثریت جمعیت ارمنی، به طور رسمی بخشی از خاک جمهوری باکو است اما همواره مورد مناقشه و درگیری قرار داشته است. نخستین دور از این جنگ‌ها، فوریه ۱۹۸۸ تا مارس ۱۹۹۴ میان جمهوری باکو و نیروهای ارمنی سلاکن قره‌باغ با پشتیبانی ارتش و دولت ارمنستان رخ داد. در جریان فروپاشی شوروی، منطقه قره‌باغ که اکثریت جمعیت آن ارمنی بودند، خواستار جدایی و پیوستن به ارمنستان شد. این موضوع به درگیری‌های گسترده قومی و نظامی انجامید. هر ۲ طرف در طول جنگ تلاش‌هایی برای پاکسازی قومی مناطق تحت کنترل خود انجام دادند. تلفات انسانی این جنگ بیش از ۲۵ هزار کشته بود و آوارگان آن بیش از ۸۰۰ هزار نفر بودند. همچنین این جنگ منجر به قطع روابط دیپلماتیک ترکیه و جمهوری باکو با ارمنستان و شروع دور جدیدی از بحران در منطقه قفقاز جنوبی شد؛ بحرانی که رنگ و بوی قومی و مذهبی نیز به خود گرفت و منجر به تعمیق شکاف‌ها در منطقه قفقاز و منطقه‌ای که به دلیل حضور گسترده و متنوع اقوام، مذاهب و ملیت‌های گوناگون به «هوزاییک‌اقوام» معروف است. در آن دوران نقش مسکو نیز به عنوان کشوری که ۲ قرن به منطقه منابع نفت و گاز در رای خزر از طریق جمهوری باکو بودند. پس از آتش‌بس میان باکو و ایروان نقش نفت، شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌های غربی در جمهوری باکو به شدت مهم شد و منجر به استراتژی حاکمان باکو مبنی بر استفاده از نفت برای قدرت‌یابی و بازپس‌گیری قره‌باغ از این راه شد؛ نقشه‌راهی که موفقیت‌آمیز بود و باکو سرانجام توانست با اجرای سیاست چندجانبه‌گرایی خطوط صادرات نفت و گاز را گسترش داده و این کردیروهای مهم را از انحصار روسیه برای طرف‌های غربی و صهیونیستی انجام داده است. از دست کشور در دهه ۲۰۰۰ شد، به نحوی که در نیمه دوم این دهه جمهوری باکو از نظر رشد اقتصادی و جذب سرمایه خارجی در صدر کشورهای دنیا قرار گرفت و توانست در آمد خوبی را از طریق صادرات نفت و گاز به اروپا و مدیترانه کسب کند.

رژیم صهیونیستی در آخرین دور حملات به زیر ساخت‌های نظامی سوریه، شهرهای ساحلی این کشور را هدف قرار داد

سازش کافی نبود، بمباران شد



زمانی که حتی پس از برداشته شدن تحریم‌های اتحادیه اروپایی درست چند ماه پس از سرکوب و کشتار علویان ساحل سوریه و دست دادن ترامپ و جولانی، حملات رژیم اشغالگر علیه سوریه ادامه دارد، علت دشمنی را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد.

رژیم صهیونیستی خواستار دولت قدرتمند و مستقل

عربی با گرایشات اسلام‌گرایانه در مرز خود نیست و به همین دلیل توافق ترامپ با جولانی و حتی مواضع اروپایی‌ها نیز برای تل‌آویو اهمیتی ندارد. سوریه مطلوب دولت صهیونیستی حتی نباید شباهتی با اردن هاشمی داشته باشد، زیرا گفتمان مقاومت در این کشور نفوذ داشته و

بسیاری از مردم سوریه خواستار مبارزه با رژیم صهیونیستی هستند؛ مساله‌ای که صهیونیست‌ها خوبی از آن آگاه هستند و خواستار جلوگیری از آن و تبدیل سوریه به کشوری تجزیه‌شده و چندپاره هستند؛ کشوری که در آن درگیری‌های قومی - مذهبی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی و اشغالگری از در خاک سوریه اولویت دارد و تنها در این صورت امنیت

صهیونیست‌ها برای ادامه اشغالگری در فلسطین اشغالی، خاک سوریه و حتی لبنان تضمین خواهد شد. مدل مطلوب سوریه برای رژیم صهیونیستی چیزی مشابه لیبی پس از قذافی است، نه مدل‌هایی مانند اردن، عراق، مصر و حتی ترکیه. به همین دلیل نیز شورشیان حاکم بر دمشق بزودی متوجه این مساله خواهند شد که به رغم تمام اقدامات آنها برای خوشایند تل‌آویو و جدا کردن مساله فلسطین از خود که جهت اعتمادسازی برای صهیونیست‌ها انجام می‌شود، رژیم صهیونیستی خواستار مشروعیت‌بخشی به آنها نیست و حملات خود را ادامه خواهد داد.

سناریوهایی نیز نظیر شورش نیروهای طرفدار فلسطین در بدنه حکومت جولانی و شورش مجدد قومیت‌ها و مذاهب مختلف در سوریه همچون دروزی‌ها و ائتلاف آنها با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی نیز همچنان وجود دارد و تهدیدی جدی برای حکومت جولانی است؛ حکومتی نواح که همچنان دشمن خود را دوست تلقی می‌کند!